

## حاج میرزا آقاسی

-۱۴-

محمد شاه از اصفهان به قصد تأدیب و مجازات مأمورین امپراطوری عثمانی عازم بغداد بود و اطمینان داشت که روسیه تزاری در این زمینه با او کمک و معاضدت خواهد کرد. اما غافل از اینکه سیاستمداران لندن و پطر گراد با هم کنار آمده‌اند و دربارسن پترزبورخ به منظور جلب رضایت بریطانیا کنت سیمونیچ وزیر مختار خود را که انگلیسیها او را محرك محمد شاه در جنگ هرات میدانستند از ایران احضار نموده و دو هامل را بجای او فرستاده اند. شاه و صدراعظم ایران هیچگاه تصور نمی‌کردند روسیه‌ای که روزی اریستوف را به دربار فتحعلیشاه فرستاده و به او توصیه کرده است که در تعیین محمد میرزا به ولایتعهدی تردید و تأمل روان ندارد<sup>۱</sup> و یا دولتی که نماینده اویس از فوت خاقان به همکار خود در تبریز سر بیخاطران نشان ساخته است که با قوه قهریه محمد میرزا را به تخت خواهد نشاند<sup>۲</sup> اینک نه تنها از نظر سابق خود عدول کرده است بلکه با انگلیسیها نیز همکاری و از حرکت قوای ایران به سمت بغداد جلو گیری خواهد نمود.

اوژن فلاندن مینویسد: «شاه باده دوازده هزار نفر قشون از اصفهان به عزم بغداد حرکت کرد ولی سفیر روسیه مانع شد او را از رفتن به آنجا منصرف ساخت و وی ناچار به طهران بازگشت». «محمد شاه هنگام محاصره هرات پس از اینکه شنید انگلیسیها نقض عهد کرده و خارك را اشغال نموده‌اند از پیمان شکنی دولت انگلیس فوق‌العاده متألم گردید و گفت «من چنان دانسته بودم که عهد نامه انگلیس<sup>۴</sup> در کنار دریای عمان دیواری آهنین است و دولت ایران سالهای فراوان برای انگلیس در حفظ هندوستان دیوار آهنین بود. اکنون که نقض عهد کردند من نخست دست از هرات باز میدارم و حدود مملکت را استوار داشته لشکری بر می‌گمارم که همیشه جنگ انگلیس را بسنده باشد». «از آن تاریخ بی‌مد محمد شاه پیوسته اوقات در تقویت قشون میکوشید و اقدامات حاج میرزا آقاسی نسبت به اعزام محصلین ایرانی به خارج و استخدام معلم نظامی و مشاق و کارشناس اروپائی به پیروی از منویات شاه و اجرای نقشه‌های او بود»<sup>۶</sup>.

۱- ناسخ‌التواریخ دوره قاجاریه جلد اول صفحه ۳۰۵ ۲- تاریخ قاجار نوشته

واتسون ترجمه عباسقلی آذری ص ۱۹۲ ۳- سفرنامه اوژن فلاندن ص ۳۲۴

۴- مقصود قرارداد مورخ ۱۲ ذی حجه ۱۲۲۹ مطابق با ۲۵ نوامبر ۱۸۱۴ میباشد که در طهران میان ایران و انگلیس منعقد گردید و جیمز موریه و هنری الیس بشمایندگی دولت بریطانیا و میرزا شفیق مازندرانی صدراعظم و میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط و میرزا عیسی قائم مقام اول به نمایندگی دولت شاهنشاهی ایران آنرا امضا نمودند. متن فارسی این قرار داد در جلد سوم منتظم ناصری در ذیل وقایع ۱۲۲۹ درج گردیده است.

۵- ناسخ‌التواریخ دوره قاجاریه جلد دوم ص ۸۹ ۶- نگاه کنید به قسمت نهم این سلسله مقالات مندرج در شماره ۲ سال ۱۷ یغما.

حاجی میرزا آقاسی از همان هنگام محاصره هرات در صدد برآمد که چند دستگاه توپ تهیه و تهیه کند. در کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان کتابی است بنام «صواعق النظام» در علم ترکیب توپ و خمپاره و ترتیب گلوله و عراده و سایر آلات و ادوات حربیه که مؤلف آن میرزا محمد رضای مهندس تبریزی است و نویسنده در مقدمه کتاب چنین مینویسد: «کتاب صواعق النظام که به اشاره جناب ... حاج میرزا آقاسی هنگام محاصره هرات در معسکر فیروزی اثر به برهان عقل و علم نوشته و به معیار فسطاس فراست و فطانت سنجیده در اوراقی چند مندرج داشته بودند که استادان این فن و متعلمین این صنعت را بکار آید. بالجمله رای رزین جناب معظم‌الیه قرار بر این یافت که اوراق متفرقه که در این فن مختصراً یادداشت شده بود به تجدید نظر و دقت خاطر با کتب معتبره حکمای طبیعی‌دان فریبگی موازنه و تطبیق نموده نسخه مبسوط و مفصل ترتیب یابد. حضرتش انجام این مهم خطیر و اتمام این خدمت دقیق را به عهده کمین بنده فدوی محمد رضای مهندس تبریزی محول و مفوض داشتند که رساله جامع در این علم مرتب دارد و به نظر آفتاب اثر همایون رساند.»<sup>۱</sup>

ن تلاش و فعالیت حاجی صدراعظم در راه بسط و توسعه قورخانه و تهیه و تهیه توپهای متعدد مورد تمجید بعضی از نویسندگان داخلی قرار گرفته است و برخی نیز به تبعیت خارجه این اقدامات را نقطه و حاج میرزا آقاسی را مورد استهزا قرار داده‌اند. در کتاب صدرالتواریخ راجع به حاجی چنین اظهار عقیده شده است:

«زمانی که قشون ایران دور هرات بود، با کمال بی‌اسبایی و عدم آلات توپ ریزی، حاجی در آنجا حکم کرد که چهار توپ ۷۲ پوندی که هر پوندی ۹۶ مثقال است ریختند و از کوره درآوردند و آن توپها نظیر توپ مشهور مروارید است که الآن در آرك طهران نزدیک حوض بزرگ گذاشته‌اند. ۲ مهندسین روس و انگلیس و فرانسه و نمسه که در اردو بودند حیرت کردند که با این بی‌اسبایی بزودی چطور این کار صورت گرفت. **واقعاً حاجی در این کار خیلی قدرت به خرج داد.** کلیه حاجی در ایام وزارت خود در عمل قورخانه و توپخانه ایران خیلی اهتمام داشت و تأسیس قورخانه و ترقی صنعتگران این کار در عصر او شد و هنوز هم قورخانه ایران از اهتمامات حاج میرزا آقاسی است که اینطور شکوه دارد. هر چه توپ و ادوات قورخانه که در قورخانه تهران موجود است از زمان حاجی باقی مانده. در عهد وزارت او **یک هزار توپ قلعه کوب**

۱- میرزا تقی‌خان امیر کبیر تألیف عباس اقبال آشتیانی صفحات ۱۹۰ و ۱۹۱. محمد حسن خان اعتماد السلطنه در صفحه ۷۸ «وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه» مینویسد: «به‌دنبه مسجد آقا بهرام که مجلس فائحه میرزا رضای مهندس باشی بود در قیتم. میرزا رضا نودوش سال عمر داشت. در زمان عباس میرزای نایب السلطنه ظاهر آفتاد سال قبل با میرزا جعفر خان مشیرالدوله مأمور شده و رفته لندن تحصیل کرده بود. بسیار آدم قابل بود، زبان انگلیسی را کاملاً میدانست، در هندسه و قلعه سازی مهارت کامل داشت. با این کبر سن باز مشاعر داشت اما چشم او نمیدید و اینکه مرد، حادثه‌ای بود نه از اجل طبیعی، به این تفصیل، به جهت قضای حاجت از بالا خانه خواسته بود بیرون بیاید، بجای اینکه در مهتابی را باز کند، در رو به حیاط را باز کرده بود از چهار ذرع افتاده و کله‌اش به زمین آمده و تلف شده بود. دوشنبه غره همین مسه (ربیع الثاني ۱۲۹۹) مرحوم شد.»

۲- توپ مروارید فعلاً در وسط محوطه جنوبی باشگاه افسران است

الکسیس سولتیکف روسی که در زمان صدارت حاجی به ایران آمده است جریان ملاقات خود را با صدراعظم ایران چنین شرح میدهد : « اندک مدتی بعد از رسیدن به طهران به حاج میرزا آقاسی صدر اعظم شاه معرفی شدم . پس از عبور از دالانهای تنگ و تاریک و درهای کوتاه وارد اتاقی بسیار ساده شدم که وزیر در آنجا بود . وزیر پیرمردی بسیار زشت بود اما لباس بسیار فاخر از ترمه های بسیار اعلا بر تن داشت . او با تشریف بسیار از من پرسید ، دماغ شما چاق است ، و ضمناً چنین وانمود کرد که این موضوع اهمیت چندانی ندارد و او هیچ علاقمند به دانستن جواب این سؤال نیست ... ناگاه مطلب دیگری را مطرح ساخت و سخن از ریختن توپ به میان آورد . حاجی عشق و علاقه وافری به توپ و تفنگک دارد و با وجود اینکه در اسلحه خانه طهران بیش از چند قبضه تفنگک و سه عراده توپ موجود نمیباشد وزیر مختار ایران در لندن به شاه اظهار داشته است که مهمات او هزاران بار مهمتر از اسلحه خانه و ولویج یکی از مراکز اسلحه سازی لندن است . شنیده شد که حاجی مشغول ریختن چند عراده توپ دهانه بزرگ میباشد و به اندازه ای قورخانه خود را گرامی و عزیز میدارد که آرزو میکند در کارخانه ذوب آهن خود به خاک سپرده شود . این وزیر جنگجو در عین حال درویش و اصلاً تانار است و با وجود اینکه از پیروان تصوف است که اصول اخلاقی آنان انعطاف پذیر میباشد و بهمین سبب نباید مورد اطمینان قرار بگیرد ، شاه به او اعتماد کامل دارد » ۲

\*\*\*

ناصرالدین شاه در اولین مسافرت خود به فرنگستان از کارخانجات اسلحه سازی و ولویج انگلستان بازدید بعمل آورده و در سفرنامه خود شرحی در این خصوص نوشته است که عیناً برای مزید اطلاع خوانندگان نقل میشود :

امروز رفتیم به کارخانجات و ولویج که جبه خانه و توپخانه و آهنگرخانه دولت انگلیس است . از عمارت ما تا به آنجا با کالسکه اسبی دو ساعت راه است که همه را از توی شهر و آبادی میرود . ولویج هم که شهری است در حقیقت محله ای از لندن و متصل به آبادی شهر است . صبح سوار کالسکه شده رفتیم . شاهزادگان و غیره هم با پیشخدمتهای کشیک بودند . از محل های آباد شهر و ازیل رودخانه نیمز گذشته بازار کوچه های آخر شهر که اغلب قصابخانه بود گذشته تارسیدم به قصبه شهر و ولویج که جای بسیار معتبر است و سربازخانه های پیاده و سواره دولت انگلیس همه در آنجا است و کنار رودخانه نیمز واقع است .... پیاده شده توی کارخانه رفتیم . حالا رسم است توپها را با قالب نمیریزند . آهن تخته را با اسبابی که دارند لوله میکنند به هر اندازه ای که توپ بخواهند ، بعد از آن به کارخانه دیگر برده زیر چکش بخار گذارده فشار داده میکنند و جوش میدهند توپ میشود . گفتند اینطور اعتبارش بیشتر است . یکی یکی کارخانه ها را دیدیم . جائی توپ خان داریم کشتند جائی دیگر می پرند . جائی سوراخ می کنند . جائی چکش می زنند . توپهای زیاد بی مصرف قدیم را در جلو کارخانه ها گذاشته و گلوله و اسباب زیادی چیده بودند . جبه خانه همه انگلیس اینجاست ...

امروز مأمورین اطفا فیه نمایش دادند و برای نجات مردم نیم سوخته و کسانی که در معرض

۱- صدرالتواریخ نسخه خطی دانشکده ادبیات

۲- سفرنامه الکسیس سولتیکف ترجمه دکتر محسن صبا صفحات ۸۷ و ۸۸

خطر قرار گرفته بودند کوشش فراوانی به کار بردند. اما تعجب در این است که از يك طرف این نوع اختراعات و اهتمامات برای استخلاص انسان از مرگ میکنند از طرف دیگر در قورخانه وجیهه - خانه‌ها و کارخانه‌های وولویچ انگلیس و کرویپ آلمان اختراعات تازه از توپ و تفنگ و گلوله و غیره برای زودتر و بیشتر کشتن جنس انسان میکنند و هر کس اختراعش بهتر و زودتر انسان را تلف میکند افتخارها مینماید. ۱



مؤلف افضل‌التواریخ راجع به اطلاعات نظامی حاجی‌واقدمات او اینطور اظهار عقیده میکند: حاجی‌مال دولت را بپه‌په خرج میکرد و بر آن ضررها از بی‌علمی آثار و قوایدی مترتب نبود، مثلاً ریخته‌گری و آهن کاری بجهت آلات و ادوات توپ ریزی و اردو کشی. وقتی گفت که از برای بارکشی اردوی نظامی فاطروباو کفایت نمیکند باید شتران را هم زیر بار آورد که حمل سیورسات و آذوقه کنند و چون پای شتران در سنگلاخ و دماغه‌های کوه می‌لغزد و بواسطه نداشتن سم مجروح میشود بار را به منزل نمیرسانند لهذا از برای پای شتران مثل سم قاطران از آهن کفشی ساخت و دریای آنها با بیج و مهره استوار کرد تا در سنگزارها نلغزند و بار را به منزل برسانند. بهمین سوء خیال امر کرد که در قورخانه کفشهای آهنین برای پای شتران بقدر چهار هزار پا ساختند و آماده کردند، و قتیکه این کفشها را در مقام امتحان به پای شتران سوار کردند و آنها را راه بردند آهن فشار سختی به پای شتران داده آنها را از راه انداخت و جراحت دیدید آمد. آنگاه دانستند که مبالغی خطیر به دولت ضرر خورده و حاصلی نبرده‌اند. این قضیه را آبدگان غریب می‌شمارند لیکن الان هنوز در قورخانه و ابار ذخیره ایران از آن کفشهای آهن موجود است که تلی انباشته شده و به مصرفی دیگر نرسیده است. سرکردگان و رؤسای قورخانه در این زمان (یعنی سال تألیف کتاب بین سنوات ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ قمری) به دیدن و بودن آن کفشها شهادت میدهند. ۲

اقدامات حاجی‌در زمینه احوالات قورخانه و تهیه و تعبیه توپ منحصر به طهران نبود و به موازات فعالیت‌هایی که در بایستخت بعمل می‌آمد اولیای امور شهرستانها نیز در حوزه مأموریت خود طبق دستور صادره در اجرای نقشه اسلحه سازی کوشش لازم بکار میبردند. عباس میرزا ملک‌آراء مینویسد:

«در غازیان و انزلی بقدر يك ذرع زمین را که حفر کنند به آب شیرین میرسد. يك توپ بزرگ سی‌وشش پوندی هم در انزلی هست و یکی هم مثل آن در غازیان است که حاج میرزا آقاسی مرحوم، صدر اعظم ایران ریخته و در دو طرف بغاز، باستیان ساخته بوده است. الان باستیانها خراب شده و زیاده از نصف توپها زیر رمل است و ده یا نژده عراده توپ شش پوندی هم در انزلی هست که صورتاً صحیح ولی نه باروت خوبی دارند نه گلوله زیادی نه توپچی استادی، شاعر بد نگفته:

۱ - سفرنامه ناصرالدین شاه صفحات ۷۹ و ۹۶  
دوست دانشمند آقای سرهنگ مهندس جهانگیر قائم‌مقامی ص ۶۶. کتاب افضل‌التواریخ مظفری  
تألیف غلام حسین خان افضل‌الملک و شامل تاریخ پنج سال اول سلطنت مظفرالدین شاه (از سال ۱۳۱۳ قمری تا ۱۳۱۷) و دارای ۶۰۳ صفحه میباشد که به خط مؤلف و تحت شماره ۲۱۶ در کتابخانه مجلس شورای ملی است.  
(ایضاً همان کتاب ص ۲۴۶)

شد خراج قنات و توپ هر بیش و کمی  
نه خایهٔ خصم را از آن توپ غمی،<sup>۱</sup>

نگذاشت به ملک شاه حاجی درمی  
نه خرمن دوست را از آن آب نمی

\* \* \*

میرزا محمد تقی لسان الممالک سپهر در ذیل وقایع سال ۱۲۶۵ شرحی قریب به این مضمون نوشته است: «چون شیخ نصرخان حاکم بوشهر از ادای منال دیوان تملل میوزید میرزا محمد علیخان ناظم الملك<sup>۲</sup> که در دستگاه بهرام میرزا والی فارس به خدمت اشتغال داشت برادر خود میرزا مهدیخان را باعدهای چریک مسلح از شیراز روانهٔ بوشهر کرد. شیخ نصرخان که این خبر را شنید به عجله اموال و دارائی منقول خود را به جزیرهٔ خارک فرستاد تا از تعرض قوای دولتی مصون بماند و سپس به حفظ و حراست خود پرداخت و چند عراده توپ در فراز باستانی که قبلاً به حکم حاج میرزا آقاسی بنا کرده بود مستقر ساخت و آمادهٔ جنگ شد.»<sup>۳</sup>

از مطالعهٔ سطور بالا چنین مستفاد میشود که در زمان صدارت حاجی احداث قورخانه و مدارک توپ و مهمات جنگی در پایتخت و شمال و جنوب و نقاط سرحدی کشور جزو برنامهٔ عملیات مأمورین دولت بوده است.

حاج میرزا حسن خان جابری انصاری میگوید: «اگر ناصرالدین شاه و نژادش به هشتاد سال آسایش از جنگ و جدال اقل امر به همان روش حاجی در تکمیل اسلحه سازی و تعمیر قراء و دهات کوشیده بودند بسی محنتها دولت ایران نمیکشید.»<sup>۴</sup>

یکی از نویسندگان معاصر ضمن توصیف و تمجید از اقدامات حاجی میرزا آقاسی جواب دندگان شکنی به نقادان و بدگویان اوداده است و میگوید: «بی کفایتی و سادگی حاج میرزا آقاسی خیلی در افروا منتشر و حتی قآنی در قصیده‌ای که در مدح میرزا تقی خان اتابک اعظم سروده او را «ظالم شقی» هم خوانده است. \* باید گفت شاعر به جهت ایراد صنعت طباق و تضاد و رعایت سجع «عادل تقی» یا «ظالم شقی» این گناه را مرتکب شده و این مرد خیر خواه را به ظلم و شقاوت معرفی کرده است. ادیب الممالک در چکامه‌ای که در دورهٔ مشروطه سروده و کارهای دولت وقت را نقادی کرده است به کنایه حاج میرزا آقاسی را ابله و جاهل قلمداد میکند. ۶ بر این آخری هم

۱ - عباس میرزا ملک آرا به اهتمام آقای عبدالحسین نوائی ص ۸۳. راجع به کوبندهٔ رباعی مندرج در متن رجوع کنید به مقالهٔ راقم این سطور در شمارهٔ ۶ و ۷ سال ششم مجلهٔ راهنمای کتاب ص ۴۴۸

۲ - میرزا محمد علیخان ناظم الممالک پسر حیدر علی خان پسر محمد خان برادر کوچک حاج ابراهیم اعتمادالدوله شیرازی است. فارسانامهٔ ناصری گفتار دوم ص ۵۲

۳ - ناسخ التواریخ دورهٔ فاجاریه جلد سوم ص ۱۱۳

۴ - تاریخ ری و اصفهان ص ۲۶۱

۵ - اشاره به این شعر قآنی است که میگوید:

بجای ظالمی شقی نشسته عادل تقی

که مؤمنان متقی کنند اقتضارها

۶ - اشاره به قصیدهٔ معروف میرزا صادق خان امیری ادیب الممالک فراهانی است که چند بیت آن از صفحهٔ ۱۶ دیوان او که به اهتمام مرحوم حسن وحید دستگردی بیچاپ رسیده ذیلاً نقل میشود:

ببخشد جای او بر خلق احزاب سیاسی را

خدا رحمت کند مرحوم حاج میرزا آقاسی را

دمو کراسی و رادی کال و عشقی اسکناسی را

ترقی اعتدالی انقلابی ارتجاعیون

ایرادی نیست زیرا حاجی به جای عموی او قائم مقام نشسته است و قائم مقامی حق داشته است کارهای او را پسندد .

حاج ابراهیم کلانتر شیرازی و میرزا شفیع مازندرانی و حاج محمد حسین خان اصفهانی حتی قائم مقام قبل از حاج میرزا آقاسی و میرزا آقاخان نوری و میرزا محمدخان قاجار و میرزا یوسف آشتیانی و امین السلطان بعد از او برای ایران چه زری به سیم یافته اند که او از راه ظلم و شقاوت یا از راه بله و سفاقت نبافته است ؟ البته نباید انتظار داشت که حاج ملاعباس ابروانی در آن دوره در سیاست مثل مترنخ اطریشی و قالیبران فرانسوی باشد یا بتواند لشکر مشق کرده و نظام ناپلئونی را در ایران تدارک کند .

حاج میرزا آقاسی بعد از مراجعت محمد شاه از هرات دانست که دیربها زود دولت ایران باید بر سر تصرف هرات بچنگد . امروز شاه ناخوش است فردا شاه جوانی به تخت خواهد نشست جمع آوری و مشق دادن قشون چریک چه فایده‌ای داشت ؟ باید تا ممکن است اسلحه و مهمات تدارک کند و نان قشون را تأمین نماید . به این قصد تا نتوانست برای دولت ملک خرید و تفنگ و توپ در انبارهای دولتی ذخیره کرد و باروت و کاغذ تدارک دید و برای تهیه این خواربار و مهمات از بذل هیچگونه سمی وجد و جهد کوتاه نیامد . هر جا ملک لم یزرعی پیدا میکرد میخزید و قنات آنرا آباد میکرد و به راه می انداخت و هر نقطه زمین بایری می یافت بوسیله حفرتی به نزدیکترین رودخانه ، آب برای آن فکر میکرد و هر جا آهن و سرب و قلع و روی گیر می آورد جمع میکرد و از آنها توپ می ریخت و برای سوراخ کردن آن از قوت گاو میش استفاده مینمود .

این گاو میشها بقدری نزد او عزیز بوده اند که اگر فی المثل گاو میش بان غفلت میکرد و یکی دوسر از آنها به محوطه‌ای وارد میشد کسی جرئت جلو گیری نداشت . « گاو میش حاج میرزا آقاسی » امروز هم برای اشخاص از خود راضی که بدون ملاحظه به هر جا وارد میشوند مثل است ۱ قسمتی از باروت‌هایی که در دوره ناصرالدین شاه صرف جنگ هرات و مرو و توپ‌ها و زینبورک‌های شلیک‌های

وزارت دادن طفلان و کالت کردن پیران  
نترگشتن، نوات کردن پیران فرسوده  
هرسک غنچ کردن گربه رقصاندن پلو خوردن  
درون منجلاب و حوض و مبرز بش و بالوعه  
اویورسیده و فاکولته در ایران بند یارب  
جراید در ستون خویش گنجانند از هرسو  
برو در مجلس شورا بخوان زالفاظ بیمعی  
اگر وقتی گذارت جانب کابینه شد برگو

۱ - برای تکمیل داستان چند جمله زیر عیناً از صدرا تواریخ نقل میشود : « حاجی گاو-  
میشی داشت که از نام تا شام در کوچه و بازار می گشت . از دور که پیدامیشد مردم اجناس خود را  
به درون دکان میبردند تا پامال نشود . گاو میش طبق های شیرینی و حلویات را سرازیر میکرد و  
کسی جرئت نداشت جلو گیری کند . آخر مردم عاجز شدند و گاو میش را اذیت کردند و حاجی هم  
که البته برای حیوان نمیتوانست اسان را اذیت نماید . از آن تاریخ بیعد هر کس که در خوردن  
شتاب کند او را به گاو میش حاج میرزا آقاسی تشبیه مینمایند .

اعیاد و ساختن آتشبازی میشده از باروتهای حاج میرزا آقاسی و همچنین کاغذی که در دفتر خانه دولتی به مصرف میرسیده کاغذ قورخانه معروف و از همان ذخیره‌ها بوده است .

آخرین خمره‌های باروتی که این شخص ذخیره کرده آبهائی بود که دریکی از سربازخانه‌های تبریز فراموش شده دست نخورده باقی مانده بود . وقتی که قشون روسها در بدو مشروطه کبیر به آنجا آمد و شهر را اشغال کرد بواسطه عدم توجه و بوسیله آتش سیگار سالداتها منفجر شد و بیست سی نفر از مهمانهای زورکی را به دیار عدم فرستاد . تفنگهای ذخیره او به قدری بود که از نه مانده آن ایوان و بالاخانه‌ها و دوره حوض میدان توپخانه را تنگ در زطاری می کردند . آن تفنگها و توپها را نباید بی قدر دانست زیرا تفنگ فرانسه هم در آن عهد شاسپو بوده است . خلاصه آنکه حاجی میرزا آقاسی در ایام صدارتش پانصد ششصد یارچه ده دوست سیصد هزار تفنگ و سیصد چهارصد توپ و شاید همین اندازه خمره باروت و پانصد ششصد خروار کاغذ برای دولت تدارک دید . اسلحه آرزوم همین‌ها بوده و توپ و تفنگ خان‌دار و دوروزن هنوز اختراع نشده بوده است .

اگر آنها ( غیر از امیر نظام و میرزا حسین خان مشیرالدوله ) که بعد از او به صدارت رسیدند بقدر او به فکر توانا کردن دولت برای مقابله با هریش آمدی بودند کار کشور ما خیلی بهتر از این‌ها بود ..... اما سبب نفاذی مردم از او چند چیز است یکی اینکه حاجی چون خودش ساده زندگی میکرد صرفه جوئی معمول تر کی را داشته و کم خرج بوده و توقع داشته است که همه مثل او باشند و بهمین جهت در عطا و بخشش کوتاه می آمده و چندان پایی رسیدن حقوق مستخدمین نبوده است دیگر اینکه مثل عموم مسکنه ماوراء قافلانکوه « بیزیمکی » هارا بر « ازگه » ها ترجیح و تر کهارا بیشتر از سایرین طرف توجه قرار میداده است . این هم نقص او نیست . ظریفی میگفت اگر ترکی بعد از یک سال بخواهد یک پول به گدا بدهد پول را ده روز در جیبش خواهد گذاشت که فقیر تر کی گیر بیاورد و در ضمن صدقه دادن یکی از « بیزیمکی » را هم از خود خشنود کند :

از همه مهتر تقرب او نزد شاه ناخوش که آنچه میگردد است با کمال بی پروائی بوده و سنگی در تر ازوی او نمی گذاشته است . در هر حال آنطوریکه در افواه منتشر است گول و احمق نبوده و آنچه میگردد از روی حساب بوده منتهی حساب او با حساب سایرین وفق نمی داده و دوره اقتضای اقدامات دیگری نداشته است . میگویند روزی بر سر قناتی رفته متوجه شده است که چرخ کش از وقتی دلوش به ته چاه میرسد تا وقتی که دلوبند در ته چاه دلورا پر کند بیکار و در مدتی هم که چرخ کش دلورا از چاه بیرون می آورد دلوبند در ته چاه معطل رسیدن دلو است . مقنی باشی را احضار میکند و امر میدهد من بعد به هر چرخ کی دو دلو ببندند تا یکی بالا میرسد دومی بطور معکوس پائین برود و از مدت بیکاری عمه ها کاسته شود . مقنی ها این کار را معمول نکرده اند و امروز هم مثل آن روز با یک دلو بیشتر کار نمیکند ولی جمله « مثل دلو حاجی میرزا آقاسی یکی نرفته دیگری میرسد » مثل شده است . ۱

\* \* \*

اظهارات مرحوم عبدالله مستوفی دایره اینکه حاجی میرزا آقاسی لثیم الطبع بوده و در عطا و بخشش کوتاه می آمده است به نظر اراقم این سطور مقرون به حقیقت نمیباشد . حاجی در مواقعی که به احتیاج واقعی اشخاص اطمینان حاصل می نمود از دستگیری آنان دریغ نمی ورزید و شاهد این

۱ - شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه به قلم عبدالله مستوفی

مدعا معامله او با نشاطی خان شاعر است . میرزا عباس متخلص به نشاطی از اهالی سرخ ده دامغان و شعرای شوخ و هزل عهد فتحعلیشاه و محمد شاه که بشاریخ ۱۲۶۲ قمری فوت کرده چهارصد تومان قرض داشت. قطعه زیر را در این باب خطاب به حاج میرزا آقاسی که متخلص به فخری بود به رشته نظم کشید و نزد او فرستاد :

فخر با امروز بر گردون جود	برج امید مرا اختر ببخش
رحمتی فرما و در دریای فیض	کشتی حرص مرا لنگر ببخش
آن یکی گوید که کیلان ده به من	وان دگر گوید که مازندر ببخش
آن یکی گوید عقیق و لعل ده	وان دگر گوید درو گوهر ببخش
زان میان گوید نشاطی، قرض من	چهارصد تومان بود یکسر ببخش

حاجی میرزا آقاسی پس از شنیدن این قطعه چهار صد تومان قرض نشاطی را بدون ماطله داد .<sup>۱</sup>



اکنون که پیرامون اقدامات حاجی میرزا آقاسی در باب تأسیس قورخانه و تهیه و تدارک توپ و تفنگ سخنی چند گفته شد بی مناسبت نیست تذکر داده شود که حاجی اصولاً به بسط و تعمیم صنایع جدید بطور کلی عقیده و ایمان راسخ داشت . فرستادن محمد حسین بیگ افشار برای تحصیل صنعت بلورسازی و قند ریزی به روسیه به سائقه همین همت بلند و نیت پاک بود ؛ نامه‌ای که حاج میرزا آقاسی دره شعبان ۱۲۶۳ به وزیر مختار روسیه نوشته و تقاضا کرده است که محمد حسین بیگ را به حاکم مسکو معرفی و سفارش کند که در صورت احتیاج به او کمک و تسببت به پیشرفت کارهای وی تسهیلات لازم فراهم نمایند زیرا به نظر خوانندگان میرسد :

« محمد حسین بیگ افشار که صاحب هوش و فراست است به سبب استعداد و قابلیت که دارد بر حسب حکم .... شاهنشاهی روحی فداه به جهت آموختن پاره‌ای صنایع از قبیل آئینه و بلور و قند سازی از دربار فلک‌مدار ملوکانه مأمور به مسکو میباشد . چون مشارالیه درست استحضاری از آن صفحات ندارد لهذا سفارش و معرفی او به حاکم و مباشرین کارخانجات مسکو خارج از منفعت و مصلحت نخواهد بود و بدیهی است که چنانچه به استصواب و میل خاطر آن جناب جلال‌تآب مشفق معظم سفارشی از مشارالیه به حاکم مسکو در رعایت و حمایت او بشود آموختن اینگونه صنایع که مطلوب رأی مهر آرای خدیوانه است به جهت او آسان و از محبت آن جناب جلال‌تآب زودتر تحصیل خواهد نمود . »<sup>۲</sup>



محمد تقی لسان‌الملک سیهرمی نویسد: «وقتی حاج میرزا آقاسی بر زبان داشت که در مدت سلطنت شاهنشاه غازی سی کرور تومان زرمسکوک به کار توپ‌خانه و قورخانه رفت . دبیران حضرت بر حسب فرمان فحص این حال کردند و معادل ده کرور تومان برآمد... و در زمان او چندان صنایع و بدایع به دست استادان چرب دست به انجام شد که حکمای دول خارجه در ملاحظه هریک تحسینی جدا و تحیتی جدا گانه فرستادند. »<sup>۳</sup>

ناتمام

۱ - مجمع‌الفصحانالیف رضا فلیخان هدایت چاپ امیر کبیر جلد ششم ص ۱۰۷۹

۲ - امیر کبیر و ایران نوشته دکتر فریدون آدمیت ص ۱۵۷

۳ - تاریخ قاجاریه جلد دوم صفحه ۲۱۲.